

A Reflection on the Approach of the Legal System of the Islamic Republic of Iran to Competition Law in light of Theories of Justice

(Type of Paper: Research Article)

Mahdie Saneei^{1*}, Mohammad Zereshgi²

Abstract

Governments set the main goals of their economic system on encouraging people to engage in economic activity and use resources fairly, but the achievement of these goals has been hampered by the formal and substantive shortcomings of private law in the field of contracts. Legal systems use competition law as a public and regulatory tool to respond to these shortcomings, relying on theories of justice at various levels from the constitution to statutory law, so that minimal government intervention leads to efficiency and optimal resource allocation. This article uses descriptive-analytical methodology to answer existing questions about the approach of the legal system governing competition law based on theories of justice and examines the change of approaches based on theories of justice in the Iranian legal system.

Keywords

competition law, legal system, theories of justice, principles of public economic law, efficiency.

-
1. Assistant Prof. of Economic Law, Azad University, Tehran -south, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: mahdie.saneei@yahoo.com
 2. Assistant Prof. of Law, Azad University, Pardis, Iran. Email: mohammad.zereshki@yahoo.com
- Received: April 14, 2020 – Accepted: July 12, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تأملی بر رویکرد نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به حقوق رقابت در پرتو نظریه‌های عدالت

(نوع مقاله: علمی _ پژوهشی)

مهديه صانعی^{۱*}، محمد زرشکی^۲

چکیده

دولت‌ها محور اصلی اهداف خود در زمینه نظام‌های اقتصادی را، تشویق مردم به فعالیت و بهره‌گیری عادلانه از منابع قرار می‌دهند، اما تحقق اهداف مذکور با کاستی‌های شکلی و ماهوی مقررات حقوق خصوصی در حوزه قراردادها، با مشکلاتی مواجه شده است. از این‌رو نظام‌های حقوقی از حقوق رقابت به‌عنوان ابزار عمومی و نظارتی بهره می‌گیرند تا ضمن پاسخ به کاستی‌های مذکور، با تکیه بر نظریه‌های عدالت در سطوح مختلف از قانون اساسی تا قوانین عادی، رویکردهای حقوق رقابت را تبیین کنند، به‌نحوی که مداخله‌های حداقلی دولت، به دستیابی به کارایی و تخصیص بهینه منابع منجر شود. این مقاله با روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی به تبیین پرسش‌های موجود در خصوص رویکرد نظام حقوقی حاکم بر حقوق رقابت مبتنی بر تئوری‌های عدالت می‌پردازد و تغییر رویکردها را مبتنی بر نظریه‌های عدالت در نظام حقوقی ایران بررسی می‌کند.

کلیدواژگان

اصول حقوق عمومی اقتصادی، تئوری‌های عدالت، حقوق رقابت، کارایی، نظام حقوقی.

۱. استادیار، عضو هیئت علمی حقوق اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: mahdie.sanei@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران.
Email: mohammad.zereshki@yahoo.com

مقدمه

در عصر کنونی که با تنوع نیازها و مالکیت‌ها مواجهیم، تلاش برای تشویق به فعالیت و دسترسی عادلانه به منابع، نیازمند ابزار حقوقی است که قابلیت توزیع منابع به‌طور عادلانه و امکان دسترسی را برای همگان فراهم سازد. از جمله ابزارهای حقوقی مؤثر، حقوق رقابت^۱ است که دولت به‌وسیله آن می‌تواند نابرابری‌هایی را که در حوزه سیاست‌های مرتبط با منابع، ایجاد می‌شود، با سیاست‌های عمومی و خط‌مشی‌گذاری‌های مبتنی بر برنامه‌های کوچک‌سازی دولت و مبانی و اصول حقوق رقابت رفع کند و به اهداف حقوق رقابت که رسیدن به کارایی و عدالت اقتصادی و در نهایت رفاه است، نزدیک شود (Whish & Bailey, 2012: 19).

از طرف دیگر، کارکرد حقوق رقابت به‌منظور نیل به کارایی، با حضور حداقلی دولت‌ها، بهتر متبلور می‌شود. همچنین نظریه‌های دولت مبتنی بر مداخلات و نوع نظام اقتصادی، متأثر از نظریات عدالت هستند و هریک از نظریه‌های عدالت (عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت آزادی‌مدار یا لیبرال کلاسیک) دربارهٔ حدود دخالت دولت، نظر خاصی ارائه می‌دهند. اما سیاست‌های رقابتی^۲ متفاوت دولت‌ها، نسبت به حقوق رقابت با تأثیر از نظریه‌های عدالت، می‌تواند رویکرد متفاوتی از عدالت‌محوری تا کارایی‌محوری را تجربه کند.

هرچند قانون اساسی به‌صراحت به حقوق رقابت اشاره‌ای نکرده است، رویکرد قانون اساسی طبق اصول ۳، ۲۸، ۴۳، ۴۴، ۴۸ نسبت به حقوق رقابت، نفی انحصار و توسعهٔ عدالت و بازتوزیع امکانات برای همگان است. به‌نظر می‌رسد در قانون اساسی با رویکرد عدالت توزیعی مواجهیم. اما با بررسی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون برنامهٔ پنج‌سالهٔ ششم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قوانین عادی و رویهٔ قضایی، هدف حقوق رقابت به‌صراحت کارایی بیان شده است. از این‌رو این مسئله سبب شده است تا رویکرد به نظریه‌های عدالت نیز تغییر کند.

در نتیجه با این پرسش در راستای قابلیت بهره‌گیری از سازوکارهای حقوق رقابت مواجهیم که رویکرد نظام حقوقی ایران به حقوق رقابت از منظر نظریه‌های عدالت چیست؟ یا تئوری حاکم بر اهداف حقوق رقابت در نظام حقوقی ایران چیست؟ فرضیهٔ مقاله حاضر این است که نظام حقوقی، قادر به جهت‌بخشی بایستة مداخلات

۱. حقوق رقابت، مجموعه‌ای از اصول رعایت‌شده توسط دولت‌هاست که هدفش مقابله با انحصاری کردن بازار است و یک رویکرد حمایتی نسبت به اقتصاد آزاد است (Hoekan & mavrodis, 2002: 4). نخستین قانون رقابت مدرن، یعنی قانون شرمین ۱ مؤید آن است که ارتقا و حمایت از وضع مصرف‌کنندگان در برابر موقعیت برتر عرضه‌کنندگان، از دغدغه‌های اصلی قانونگذاران در پذیرش قوانین رقابت بوده است (Van den Bergh & Camesesca, 2001: 1-3).

۲. سیاست رقابتی مفهوم عام‌الشمولی دارد و شامل تمامی سیاست‌های مرتبط با رقابت در بازار از جمله سیاست تجاری، سیاست تنظیم‌کننده و سیاست‌های اتخاذشده توسط دولت برای اصلاح سیاست‌های ضدرقابتی است.

حداقلی دولت به سمت اهداف حقوق رقابت در پرتو نظریه‌های عدالت بوده و از انعطاف لازم برخوردار است.

مقاله حاضر با تلفیقی از روش‌های هنجاری و توصیفی - تحلیلی، با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای به منظور پاسخگویی به پرسش اصلی مقاله در چهار بخش تنظیم شده است که در سه بخش اول، مباحث نظری مطرح شده و در بخش چهارم، به بحث اصلی و پاسخگویی به پرسش مقاله پرداخته می‌شود:

بخش اول، اهداف حقوق رقابت؛

بخش دوم، حقوق رقابت از منظر تئوری‌های عدالت؛

بخش سوم، حقوق رقابت و میزان مداخله دولت‌ها؛

بخش چهارم، رویکرد نظام حقوقی ایران به حقوق رقابت در پرتو تئوری‌های عدالت.

اهداف حقوق رقابت

رقابت^۱ را خون جاری در رگ‌های اقتصادی یک کشور می‌دانند (Furse, 2008: 1)، از این رو حقوق رقابت وسیله‌ای برای گذر از اقتصاد دولتی به خصوصی، آزادسازی تجاری و جلوگیری از جایگزینی انحصار دولتی با انحصارات خصوصی محسوب می‌شود (Dabbah, 2007: 20). تعیین مقاصدی که حقوق رقابت به دنبال تحقق آنهاست، از دشواری‌های سیاست رقابتی هر کشور است، چراکه اهداف حقوق رقابت از مهم‌ترین مباحث این حوزه است؛ امری که جولانگاه مکاتب^۲ مختلف بوده است. سیاست رقابتی هر کشور باید تعیین کند که در حقوق رقابت انتظار حصول چه اهدافی را دارد. بدون درک اهداف، شناخت حقوق رقابت دشوار است. رقابت دارای اهداف اقتصادی با رویکرد کارایی‌محوری و اهداف غیراقتصادی با رویکرد عدالت‌محوری است. با

۱. رقابت فرایندی پویا بوده و مبنای عملکرد نظام بازار است، البته رقابت در صورت وجود شرایط، ورود و خروج آزادانه به بازار، آزادی تجارت، نظام پولی کارا، شفافیت بازار، وجود اطلاعات کامل و... به نتایج مطلوب منجر می‌شود. تمام مباحث رقابت در درجه اول به قدرت بازار توجه دارند. به همین دلیل «کارتل‌ها» (توافق‌های

ضد رقابتی) ممنوع است و مواضع انحصارگری با سوءظن در نظر گرفته می‌شوند (Gerbrandy, 2019:4).
۲. مکتب شیکاگو؛ از طرفداران سرمایه‌داری و اقتصاد بازار آزاد و خودتنظیمی بازارند و اعتقاد دارند رقابت بدون کارایی، شایسته حمایت نیست و به اهداف عدالت در رقابت بی‌اعتنا بوده و مخالف دخالت دولت هستند. مکتب هاروارد؛ طرفداران آن معتقدند بازار ناقص‌تر از آن است که خود به تنهایی بتواند مشکلات را حل کند، از این رو آنها رقابت را بر ارزش‌های متعددی مانند کارایی و عدالت استوار می‌دانند و دخالت دولت را به‌طور استثنای می‌پذیرند.

مکتب فرایبورگ؛ در اتحادیه اروپا برای حقوق رقابت، افزون‌بر کارایی به مفاهیم دیگری مانند عدالت نیز معتقدند و دخالت دولت را برای تنظیم‌گری به‌طور استثنای می‌پذیرند (صادقی مقدم و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۱۳).

آنکه همگان معتقدند حقوق رقابت به دنبال تحقق اهداف اقتصادی (کارایی) است، اما اهداف غیراقتصادی (عدالت) نیز در تمهید قواعد آن، نقش دارد. در کشورهای در حال توسعه، اهداف سیاسی و اجتماعی از اهمیت برخوردارند و تأسیس بازارهای با رقابت آزاد به حمایت عمومی و دولت نیاز دارد، اما به طور کلی، روح حقوق رقابت برای افزایش کارایی است (صادقی مقدم و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۱۳).

۱. اهداف اقتصادی (با رویکرد کارایی محوری)

۱.۱. کارایی اقتصادی

یکی از آثار مطلوب رقابت، افزایش کارایی است و عبارت است از انجام کاری به بهترین وجه و با بهترین نتیجه بدون هدر دادن بی مورد وقت، انرژی و پول. یا در تعریفی دیگر، بهترین محصول و تولید از حداقل منابع موجود است (غفاری فارسانی، ۱۳۹۳: ۸-۷). کارایی اقتصادی به طور معمول در مداخله حداقلی دولت اتفاق می افتد و با حداکثر شدن منافع فردی، نباید آسیبی متوجه منافع دیگران از جمله منافع عموم شود و حتی دخالت حداقلی دولت نیز برای به حداکثر رساندن منافع فردی است.

۱.۲. افزایش رفاه

رفاه وسیله سنجش عملکرد بازار است. زیمر، رفاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان و به طور خاص مصرف کنندگان را مهم ترین هدف وضع قواعد حقوق رقابت برشمرده است (Zimmer, 2012: 3-4). بنابراین حاصل جمع رفاه تولیدکنندگان و رفاه مصرف کنندگان تشکیل دهنده، رفاه کل جامعه است، نتیجه نهایی رقابت در بازار، ارتقای رفاه عمومی خواهد بود.

۲. اهداف غیراقتصادی (با رویکرد عدالت محوری)

۲.۱. توزیع عادلانه قدرت اقتصادی و حمایت از بنگاه های کوچک

این هدف ناشی از قدرت یافتن بنگاه های خصوصی و بزرگ است، زیرا قدرت اقتصادی در صورت اراده، نوعاً قدرت سیاسی را هم به دست خواهد گرفت و سبب از بین رفتن بنگاه های کوچک می شود. این رویکرد عدالت محوری مبتنی بر ایجاد فرصت های برابر برای همه و تمرکززدایی از قدرت اقتصادی است.

۲.۲. حمایت از استقلال فردی و برخورداری همه از فرصت‌های اقتصادی برابر
بنگاه‌های قدرتمند از قدرت اقتصادی خود نباید برای از میدان به در کردن بنگاه‌های کوچک و محدود کردن رقابت به سود خود و زیان رقیبان استفاده کنند (Gerber, 2004: 2).
در این مقاله کارایی از هدف اقتصادی و عدالت از هدف غیراقتصادی انتخاب شده است تا در نهایت رویکرد نظام حقوقی ایران را در خصوص این اهداف از منظر تئوری‌های عدالت بررسی کنیم.

حقوق رقابت از منظر نظریه‌های عدالت

از آنجا که نظریه‌های عدالت متأثر از نظریات عدالت هستند و هریک از نظریات، دربارهٔ حدود دخالت دولت، نظر خاصی ارائه می‌دهند و با توجه به اهداف حقوق رقابت نیاز به میزان و سطحی از حضور دولت‌هاست، از این رو با توجه به سؤال اصلی مقاله، ارتباط میان حقوق رقابت و انواع نظریه‌های عدالت را بررسی می‌کنیم.

۱. حقوق رقابت و عدالت توزیعی

این مفهوم از عدالت، اعتقاد به تخصیص منابع و بازتوزیع امکانات در جامعه اعم از ثروت و مناصب عمومی دارد و معتقد است باید با افراد، رفتار برابری داشت و بازتوزیع امکانات، باید عادلانه انجام گیرد و نه بر مبنای آنچه کارایی اقتصادی اقتضا می‌کند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۵۹)، اما نظریه‌های عدالت توزیعی در برخی شرایط گونه‌ای از تفاوت‌گذاری میان افراد را در بازتوزیع امکانات می‌پذیرند. به‌طور مثال، برخی از این دیدگاه‌ها برای توجیه این نابرابری، به اصل ۲ جان راولز که به اصل تفاوت مرسوم است، متوسل می‌شوند. دو اصل عدالت جان راولز عبارت‌اند از: ۱. هر فرد در خصوص گسترده‌ترین آزادی‌های بنیادین، حق برابر داشته باشد؛ ۲. نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در صورتی قابل قبول هستند که بیشترین سود را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشند (اصل تفاوت). از این رو منابع باید به‌طور مساوی توزیع شود، مگر اینکه توزیع نابرابر، محروم‌ترین اشخاص جامعه را منتفع کند و اصل عدالت، اجازهٔ توزیع نابرابر منابع از فرایند بازار را می‌دهد، اما در صورتی که نفع، شامل حال محروم‌ترین‌ها شود و این نظریه موافق سیاست‌های بازتوزیع از طریق مالیات و انتقال درآمد‌هاست (Rawls, 2005: 278-280). در عرصهٔ بازار، دولت از ابزارهای متفاوتی مانند حقوق رقابت بهره می‌گیرد، دخالت دولت در این عرصه از طریق ممنوعیت انواع انحصار و تضمین رقابت آزادانه در بازار اتفاق می‌افتد. حقوق رقابت اگرچه در بنیاد، ریشه در عدالت توزیعی دارد و در پی آن سیاست‌های نظارتی و عمومی توسط دولت و نهادهای عمومی اعمال می‌شود، مخالف اقتصاد آزاد نیست،

بلکه نوعی رویکرد تکمیلی و حمایتی نسبت به رقابت آزاد محسوب می‌شود (باقری و فلاح‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۱-۶۳). از این رو اجازه دخالت دولت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی، برای اصلاح نابرابری است تا امکان رقابت آزادانه در بازار ایجاد شود.

۲. حقوق رقابت و عدالت رویه‌ای

عدالت رویه‌ای^۱ به تصمیم‌گیری و اجرای آن براساس فرایند عادلانه و منصفانه اطلاق می‌شود. هنگامی که فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن عادلانه و منصفانه باشد، حتی اگر نتایج به دست آمده برخلاف میل افراد باشد، آنها راحت‌تر آن را می‌پذیرند. در حقیقت عدالت رویه‌ای، بهترین تضمین برای حصول نتایج عادلانه و منصفانه نیست (Deutsch, 2000: 45). منظور از عدالت رویه‌ای در بازار، پیش‌بینی قواعد برابر تنظیم روابط بازار است. رقابت باید براساس قواعد عادلانه‌ای انجام گیرد و رقابت ناعادلانه که ناشی از رویه‌ها و ساختارهای حاکم بر بازار است، باید از بین برود (Gerber, 1998: 38). برای عادلانه کردن رقابت در بازار، دولت، باید نقطه شروع را که برابری است، اصلاح کند که از طریق وضع مالیات یا در قالب حقوق رقابت، فرصت‌های برابر را برای شروع رقابت آزاد ایجاد کند.

۳. حقوق رقابت و عدالت آزادی‌مدار (لیبرال کلاسیک)

لیبرال‌ها، اهمیت اساسی را به حقوق فردی، حاکمیت اراده و رضایت افراد می‌دهند (فاستر، ۱۳۸۳: ۲۲۲). عدالت در بین افراد از طریق قواعد بازار و به صورت نظم خودجوش تأمین می‌شود. از نظر این گروه، دولت حداقلی، بهترین دولتی است که می‌توان آن را توجیه کرد، چراکه دولت هرچه بزرگ‌تر باشد، حقوق مردم را بیشتر نقض می‌کند (Nozick, 1974: 149). در حقیقت استفاده از آزادی تجارت و مالکیت، محدود و مقید به اصل لاضرر است؛ یعنی آزادی فردی تا جایی است که به حقوق دیگران، ضرر وارد نکند. بنابراین برای جلوگیری از ضرر به حقوق فردی، بقیه کنشگران بازار می‌توانند مداخله آمرانه دولت به منظور حمایت از کل جامعه در مقابل رفتارهای انحصاری و ضدرقابتی و حمایت از بخش‌های جزئی و خاص اقتصاد را در قالب حقوق رقابت بپذیرند (Hscweitzer, 2007: 22-30).

در این قسمت انواع دولت‌ها از نظر میزان مداخله در امور اقتصادی بررسی می‌شود، زیرا رویکرد به حقوق رقابت با حداقل میزان مداخله دولت است. سپس نوع نظام اقتصادی ایران بررسی می‌شود تا بتوان به تحلیل رویکرد نظام حقوقی ایران به حقوق رقابت و در نهایت اهداف موردنظر آن پرداخت.

حقوق رقابت و میزان مداخلات دولت‌ها

نوع نظام اقتصادی یا به عبارتی میزان و نوع مداخلات دولت‌ها^۱ در اقتصاد، تعیین می‌کند که چه نهاد یا چه کسانی در خصوص منابع، ثروت و کالاهای جامعه تصمیم‌گیری کنند. با توجه به این موضوع، سه نوع نظام اقتصادی مشخص می‌شود:

۱. نظام اقتصادی مبتنی بر تسلط «مالکیت عمومی» یا به عبارتی سوسیالیسم یا مداخله نابازاری دولت؛

۲. نظام اقتصادی مبتنی بر تسلط «مالکیت خصوصی» یا نظام اقتصاد آزاد و یا سرمایه‌داری یا مداخله بازاری دولت؛

۳. نظام اقتصادی مبتنی بر «مالکیت خصوصی و عمومی» یا نظام اقتصادی مختلط به مفهوم حکمرانی خوب، اشاره دارد که دولت‌ها ضمن عدم مداخله گسترده در اقتصاد، می‌باید با نظارت حداقلی جهت تنظیم بازار، در این عرصه منفعل نباشند و تأثیرگذار باشند (دفتر مطالعات اقتصادی، شهریور ۱۳۸۴: ۶۹).

نوع و کیفیت حاکمیت و تأثیر توانایی دولت را سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولت با تکیه بر اصول کلاسیک حقوق عمومی اقتصادی و میزان مداخله، تعیین می‌کند که می‌تواند محرک و شکل‌دهنده باشد و به جای تأکید بر شکل حکومت، باید بر سیاست و ماهیت دولت تأکید کرد (صانعی و پروین، ۱۳۹۹: ۲۵۴-۲۳۹).

سیر اندیشه حکمرانی و نیز تغییر میزان و حدود و ثغور مداخلات دولت‌ها در نظام بازار، نشان از بروز تغییرات گسترده در کارکرد دولت‌ها داشته است (Harris, 2007: 80-89). به همین دلیل دولت‌ها توجه خاصی به تسهیل رقابت و منع یا تنظیم انحصار، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیتی کشورها در حوزه‌های اقتصادی، به‌دلیل دارا بودن آثار مثبت گسترده بر وضعیت کارایی و نیز بهبود فضای کسب‌وکار مبذول داشته‌اند (Dunne, 2015: 14). مداخلات دولت در اقتصاد می‌تواند به دو شیوه بازاری یا نابازاری صورت گیرد؛ مداخلات نابازاری شدیدترین نوع مداخله دولت است که در این حالت، دولت به‌عنوان تولیدکننده‌ای بزرگ در اقتصاد حضور دارد (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴: ۶۹). اما مداخلات بازاری، که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌گیرد و به موازات مداخلات نابازاری نیز اعمال می‌شود؛ یعنی دولتی که در حجم وسیعی در اقتصاد دخالت می‌کند، به کنترل‌های بازاری نیز می‌پردازد. کنترل‌های مستقیم بازاری شامل دخالت‌های مستقیم به شکل انواع احکام، قوانین و مقررات است که برخی اقدام‌ها را برای بنگاه‌های تجاری، لازم یا ممنوع می‌سازد. کشورهای پیشرفته در جهت تحقق اهداف تنظیمی خود، همزمان از هر دو شیوه برای نظارت بر اقتصاد استفاده می‌کنند (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴: ۷۰).

به‌طور کلی نظام اقتصاد مبتنی بر بازار، نارسایی‌هایی دارد، از این‌رو مداخله دولت در بازار به‌منظور تنظیم و کنترل آن، ضروری است (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۹). یکی از انواع مداخلات دولت در بازار، به شکل وضع قوانین و مقررات است. این مداخلات به دو صورت انجام می‌پذیرد:

۱. تعیین مقررات تنظیمی که در جهت محدود ساختن بهره‌گیری از قدرت بازاری اعمال می‌شود که اینها مقررات حقوق اقتصادی هستند (باقری، ۱۳۸۴: ۶۴)؛
۲. وضع قوانین ضدتراست یا ضدرقابتی که عملکرد آن کاهش قدرت‌های بازاری یا تغییر ساختار بازارهاست (حسینی و شفیع، ۱۳۸۶: ۲۵۰). تنظیم‌گری در بیان عام، دامنه گسترده‌ای از تشویق‌های اخلاقی تا مقررات‌گذاری را شامل می‌شود، اما دولت‌ها با ابزار تنظیم‌گری می‌توانند به این امور بپردازند که این ابزارها عبارت‌اند از:
 ۱. ابزارهای حقوق اقتصادی مانند حقوق رقابت، مقررات اوراق بهادار، مقررات تجارت خارجی، مقررات کنترل ارزی؛
 ۲. ابزارهای عام مانند تشویق‌های اخلاقی، مالیات‌ها، هزینه‌های مالیاتی، مالکیت عمومی
 ۳. تنظیم انحصار مانند تنظیم قیمت‌ها؛
 ۴. صدور مجوز عمومی با الزام شرایط رقابتی (علاءالدینی، ۱۳۹۱: ۶۶).

اصل بر این است که مردم بدون دخالت دولت، زندگی اقتصادی و اجتماعی خود را هدایت کنند و این امر خود به عدالت منتهی شود و هر نوع مداخله دولت و اعمال قواعد حقوق رقابت برای اهداف اقتصادی یا اجتماعی مانند عدالت اجتماعی خلاف اصل است. از این‌رو دولت و قواعد حقوق رقابت صرفاً مکمل بازار است و نه جانشین آن و به دلیل وجود تقابل شرکت‌های بزرگ با شرکت‌های کوچک و ناتوانی بازار در تخصیص بهینه و عادلانه منابع و عدم کارایی لازم در بازار، حضور و مداخله دولت باید به‌طور حداقلی و به‌عنوان نهاد مکمل بازار باشد (هداوند، ۱۳۸۶: ۵۰). در ایران، اصل ۴۴ قانون اساسی، پایه‌های بنیادی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی را بر پایه بخش دولتی و تعاونی قرار داده و بخش خصوصی را عرصه مکمل برای فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی قلمداد کرده است. این اصل یک اقتصاد مختلط با مالکیت و اختیار گسترده دولتی را در نگاه اول نشان می‌دهد. از این‌رو با حضور گسترده دولت در امور مواجه بودیم، اما گسترش نقش دولت در اقتصاد و ناکارآمدی آن از یک سو، با ذیل اصل ۴۴ در تعارض قرار گرفته بود و از سوی دیگر، ساخت انحصاری صنایع، همچنان نقش تنظیمی دولت را اجتناب‌ناپذیر کرده بود. این موارد سبب تدوین قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شد. از این‌رو مجمع تشخیص مصلحت نظام به تدوین آن براساس تفسیر مصلحت‌گرایانه مبتنی بر نیازهای جدید جامعه، روی آورد. این تفسیر به‌منظور شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی

بنگاه‌های اقتصادی، افزایش رقابت‌پذیری بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مدیریتی و مالی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی بوده است. از این رو ارزش‌های کارامدی و منفعت عمومی و کارایی در جامعه بیشتر محقق می‌شود.

رویکرد نظام حقوقی ایران به حقوق رقابت در پرتو نظریه‌های عدالت

با توجه به بررسی اهداف حقوق رقابت، و بررسی آن با نظریه‌های عدالت، در این قسمت رویکرد نظام حقوقی ایران به اهداف حقوق رقابت در پرتو تئوری‌های عدالت بررسی می‌شود.

۱. حقوق رقابت در قانون اساسی

قانون اساسی دارای احکامی در زمینه نظارت دولت بر رقابت و انحصار اقتصادی است. این احکام در فصل چهارم قانون اساسی و ذیل عنوان اقتصاد و امور مالی ذکر شده‌اند. طبق اصل 43 قانون اساسی، بند ۲ به تأمین شرایط و امکانات کار برای همه، بند 5 در خصوص مبارزه با انواع فعالیت‌های ناکارآمد و غیرمشروع اقتصادی مثل اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام، اشاره دارد که طبق این اصل، انحصارگری به دلیل آنکه ممکن است استقلال اقتصادی مملکت را مورد تردید قرار دهد یا موجب فقر و محرومیت در جامعه شود، ممنوع شده است. البته با توجه به اصل بعدی به نظر می‌آید در اینجا کلمه انحصار دولتی است که مورد تأکید اصل 44 قانون اساسی است. قانون اساسی در اصل 44، عملاً تولید در اقتصاد را در حیطه اعمال دولت و بخش عمومی قرار داده است. به این ترتیب مطابق قانون اساسی بسیاری از اموری که تا زمان تصویب این قانون در انحصار دولت بود یا به موجب قوانین عادی در اختیار دولت بودند، زیرمجموعه دولت قرار گرفتند و مصداق بارز دخالت نابرابر دولت در اقتصاد است. طبق این اصل صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی و ... به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است و جزو بخش دولتی به‌شمار می‌روند. به این ترتیب افزون بر انحصارات طبیعی موارد بسیاری زیرمجموعه بخش دولتی قرار می‌گیرند و هر چند لفظ انحصار در مورد آنها به کار نرفته است، اما ذیل اصل 44 که بخش خصوصی را مکمل بخش دولتی و تعاونی اعلام می‌کند، این حصر را به‌طور ضمنی بیان می‌کند.

در نگاه کلی اگرچه قانون اساسی به‌صراحت به حقوق رقابت اشاره‌ای نکرده است، مقرراتی در زمینه مقابله با انحصار دارد، در بندهای 6، 9 و 12 اصل 3 قانون اساسی در خصوص رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و پی‌ریزی صحیح در اقتصاد جهت عدالت، در اصل 48 قانون اساسی در مورد توزیع عادلانه امکانات و فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و در اصل 28 قانون اساسی در مورد آزادی انتخاب شغل به این موضوع اشاره کرده است (علاءالدینی،

۱۳۹۱: ۸۵). با توجه به اصول مختلف ذکر شده، رویکرد قانون اساسی عدالت‌محوری است و طبق تعریف عدالت توزیعی، در تخصیص منابع و بازتوزیع امکانات و داشتن رفتار برابر با همه، رویکرد قانون اساسی با عدالت توزیعی منطبق است، اما قانون اساسی اقتصاد ایران را بر پایه بخش دولتی و تعاونی و بخش خصوصی را مکمل می‌داند، به‌طور ضمنی و غیرمستقیم به هدف غیراقتصادی حقوق رقابت که عدالت است، اشاره داشته است؛ اما با روح اصلی حقوق رقابت که کارایی است، فاصله دارد، زیرا برای رسیدن به کارایی به مداخله حاد اقلی دولت نیاز است.

۲. حقوق رقابت در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

سیاست‌های کلی نظام در اصلاحات سال ۱۳۶۸ قانون اساسی، وارد نظام حقوقی کشور شد. این سیاست‌ها در جایگاهی پایین‌تر از قانون اساسی و بالاتر از قوانین عادی قرار دارند (زارعی، ۱۳۸۳: ۳۵). قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در پنج بند تدوین شد. در بند ۱، حوزه فعالیت دولت تشریح و دولت از هر گونه فعالیت در خارج از آن حوزه منع شد؛ در بند ۲، برای دولت دو شریک جدی یعنی بخش خصوصی و تعاونی لحاظ شد؛ در بند ۳، دولت موظف به توسعه خصوصی‌سازی شده است. همچنین دولت باید از طریق تصویب قوانین از ایجاد انحصار توسط بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی جلوگیری به‌عمل آورد؛ در بندهای ۴ و ۵ نیز سیاست‌های کلی واگذاری و سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار آمده است. این امر در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌وجودآورنده زمینه اولیه متن قانون ضدانحصار در ایران شد. با توجه به پرسش مقاله، رویکرد سیاست‌های کلی نظام، منطبق با کوچک‌سازی دولت و حضور حاد اقلی دولت است و از میان اهداف حقوق رقابت (کارایی و عدالت)، به‌طور صریح به هدف کارایی که هدف اقتصادی و روح حقوق رقابت است، اشاره شده است، از این‌رو توزیع عادلانه منابع و امکانات بر مبنای عدالت توزیعی قابل بررسی نیست، زیرا در عدالت توزیعی، کارایی جایی ندارد و به‌نظر می‌رسد به تعریف و شرایط عدالت آزادی‌مدار و عدالت رویه‌ای، نزدیک‌تر است؛ اما تا چه حد به نتایج مطلوب دست یافته است، هدف این مقاله نیست.

۳. حقوق رقابت در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

جایگاه قانون برنامه به‌عنوان یک قانون عادی در سلسله‌مراتب نظام حقوقی با ابهام مواجه است. بسیاری از مفاد قانون برنامه توسعه فاقد ویژگی‌های ماهوی قانون و در عوض واجد ویژگی‌های سیاستی‌اند و به‌نظر می‌رسد جایگاه قوانین برنامه بالاتر از قوانین عادی است (مرکز مال‌میری، ۱۳۹۰: ۲۱۸-۲۱۷).

قانون رقابت در قانون اصلاح موادی از قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳۴/۳۱ تصویب شد که رسماً از نظر حقوق موضوعه، برای اولین بار، قواعد حقوق رقابت در ایران شناسایی شد. تا پیش از آن، قانون مصوبی در خصوص رقابت وجود نداشته است، البته در قوانین و مقررات پراکنده می‌توان ردپایی از مقررات مربوط به رقابت تجاری پیدا کرد.^۱ هدف از قانون مزبور، حذف یا کنترل انحصار در فعالیت‌های تجاری، منع رفتارهای ضد رقابتی، از جمله رویه‌های محدودکننده و اعمال بازرگانی غیرمنصفانه و تسهیل رقابت به منظور افزایش کارایی و رفاه اقتصادی است. این تعریف، به نظر می‌رسد که متأثر از ماده ۱ مدل قانون رقابت آنکتاد باشد^۲ (عامری، ۱۳۸۹: ۲۷).

همچنین در ماده ۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به طور صریح به محترم شمرده شدن و حمایت از حقوق مالکیت و تولید ثروت و نگاه ارزشی به کار و ثروت آفرینی از راه‌های قانونی و مشروع و عدم مداخله در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی و تدوین نظام بنگاه‌داری نوین در بخش دولتی همراه با ممنوعیت سرمایه‌گذاری جدید برای بخش دولتی در فعالیت‌هایی که بخش خصوصی در رقابت سالم با هزینه کمتر و کارایی بیشتر قادر به انجام آن است، اشاره شده است.

در این ماده به طور دقیق به روح حقوق رقابت یعنی کارایی و نقش حداقلی دولت و عدم مداخله و حتی ممنوعیت سرمایه‌گذاری جدید برای بخش دولتی اشاره شده است.

با توجه به پرسش مقاله، رویکرد در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، منطبق با کوچک‌سازی دولت و حضور حداقلی دولت است و از میان اهداف حقوق رقابت (کارایی و عدالت)، به صراحت به هدف کارایی اشاره شده است و از این‌رو توزیع عادلانه منابع و امکانات بر مبنای عدالت توزیعی قابل بررسی نیست، زیرا در عدالت توزیعی، کارایی جایی ندارد و به نظر می‌رسد به نظریه عدالت آزادی‌مدار و عدالت رویه‌ای با توجه به شرایط حاکم بر آنها، نزدیک‌تر است. هرچند اگر رقابت به طور صحیح در جامعه اتفاق بیفتد، هدف عدالت نیز محقق می‌شود.

۱. اصل ۴۳، بند ۵ اصل ۴۳ و اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی، ماده ۲۶ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۳

ماده ۱۳۴ قانون تجارت درباره منع رقابت شریک با شرکت و ماده ۱۳۳ لایحه اصلاح قانون تجارت درباره منع مدیران و مدیر عامل معاملاتی از جمله معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت سهامی است. قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، ماده ۱۵ قانون تعزیرات حکومتی، ماده ۱۳ مکرر کنوانسیون پاریس درباره رقابت نامشروع که ایران نیز به این کنوانسیون پیوسته است (رشوندبکانی، ۱۳۹۳: ۲۱).

2. "Objectives or purpose of the law: To control or eliminate restrictive agreements or arrangements among enterprises, or mergers and acquisitions or abuse of dominant positions of market power, which limit access to markets or otherwise unduly restrain competition, adversely affecting domestic or international trade or economic development." UNCTAD (2007), Model Law on Competition, UNCTAD Series on Issues in Competition Law and Policy, TD/RBP/CONF.5/Rev/3. UN Publications.

۴. حقوق رقابت در قوانین عادی

در ایران قوانین عادی نقش اساسی در تنظیم بازارها ایفا می‌کنند. در اینجا به‌طور فهرست‌وار به قوانینی که در حال حاضر وجود دارند، اشاره می‌کنیم.

قانون تعزیرات حکومتی، این قانون در مورد قیمت‌گذاری و تخلف از آن به‌عنوان نهاد تنظیم‌بخشی به بازار، اساسنامه دائمی و قوانین تشکیل شرکت‌های دولتی، مؤسسات عمومی و سازمان‌های عهده‌دار انحصارات طبیعی و قانون، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار، قانون مالیات‌های مستقیم و ارزش افزوده، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، قانون اصلاح موادی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

با توجه به پرسش مقاله، رویکرد در قوانین عادی نیز منطبق با کوچک‌سازی دولت و حضور حداقلی دولت است و هدف کارایی مدنظر قانونگذار بوده است، از این‌رو توزیع عادلانه منابع و امکانات بر مبنای عدالت توزیعی قابل بررسی نیست، زیرا کارایی بر مبنای عدالت توزیعی سنجیده نمی‌شود، درحالی‌که رویکرد در قوانین عادی به سمت مداخله حداقلی دولت بوده و هدف کارایی مدنظر است، به عدالت آزادی‌مدار و عدالت رویه‌ای نزدیک‌تر است.

۵. حقوق رقابت در رویه قضایی

قانونگذار در سال ۱۳۸۷ با درک حاصل از نقش و جایگاه نهاد حافظ رقابت در زمینه توسعه و تسهیل رقابت و منع انحصار، با اعطای اختیارات قانونی لازم، شورای رقابت را تأسیس کرد. طبق ماده ۴۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، با اعطای صلاحیت عام به شورا، آن را تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضدرقابتی دانسته است. مواد ۴۳ تا ۶۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به احصای اقسام گوناگون تحقق رویه‌های ضدرقابتی و وظایف و اختیارات قانونی شورای رقابت پرداخته است (رستمی و اصغرینیا، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۹۹).

در اینجا برای نمونه رأی شورای رقابت در دعوی مربوط به شرکت آسان غذای ایرانیان (چیلیوری) به‌عنوان شاکی از شرکت مدرن سامانه غذا (اسنپ فود) که در اردیبهشت ۱۳۹۸ در مرکز ملی رقابت مطرح شد، می‌پردازیم.

ادعای شاکی مربوط به وجود قراردادی با ماهیت انحصاری مابین رستوران‌دارها و شرکت اسنپ‌فود بود و طبق ادعای شاکی شرکت اسنپ‌فود با ایجاد یک مانع انحصاری ورود رقبای دیگر را به بازار آنلاین سفارش غذا محدود کرده بود و رویه ضدرقابتی شکل گرفته بود، به‌نحوی که در یکی از بندهای قرارداد، به‌صراحت واژه انحصار ذکر شده بود و براساس آن رستوران‌دارها متعهد شده بودند که با هیچ وب‌سایت مشابه اسنپ‌فود همکاری نکنند. از این‌رو در جلسه ۳۹۵ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۳ پس از رسیدگی به شکایت، مبنی بر ادعای بروز رویه ضدرقابتی، با اکثریت

آرا، اقدام‌های شرکت اسنپ‌فود مصداق رویه‌های ضدرقابتی شناخته شد. ممانعت از ورود رستوران‌ها به معامله با رقبا، مصداق قسمت ۲ بند «الف» ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ایجاد مانع به‌منظور مشکل کردن ورود رقبای جدید یا حذف رقبای موجود اسنپ‌فود، مصداق قسمت ۴ بند «ط» ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تشخیص داده شد و با استناد به بندهای ۳ و ۴ ماده ۶۱ قانون مذکور، دستور به توقف رویه ضدرقابتی داده شد (www.nicc.gov.ir)

با توجه به سؤال مقاله، رویکرد در رویه قضایی، منطبق با کوچک‌سازی دولت و حضور حداقلی دولت است و شورای رقابت به‌عنوان نهاد حافظ رقابت، مرجع تشخیص رویه‌های ضدرقابتی است، با ورود به پرونده‌های مختلف؛ مصادیق انحصار و رویه‌های ضدرقابتی را تشخیص می‌دهد و با از بین بردن رویه‌های ضدرقابتی، در رسیدن به روح حقوق رقابت که همان کارایی است، تلاش می‌کند و به عدالت رویه‌ای یا آزادی‌مدار نزدیک‌تر است و با تشخیص رویه‌های ضدرقابتی، هدف عدالت هم محقق می‌شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی اهداف مختلف حقوق رقابت، رویکرد نظام حقوقی ایران از منظر نظریه‌های عدالت را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که قواعد رقابت در حقوق ایران در سطوح مختلف به رسمیت شناخته شده است که عبارت‌اند از در اصل ۴۳ قانون اساسی انحصارگری ممنوع شده است. اصل ۴۴ قانون اساسی عملاً تولید در اقتصاد را در حیطه اعمال دولت و بخش عمومی قرار داده است، اما ذیل اصل ۴۴ بخش خصوصی را مکمل بخش دولتی و تعاونی اعلام می‌کند. در قانون اجرای کلی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، در پنج قسمت و در مقام بیان سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار، ورود بخش خصوصی از طریق سیاست‌گذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت به رسمیت شناخته شده است. در بحث قوانین عادی، قانون تعزیرات حکومتی، قانون مدیریت خدمات کشوری، اساسنامه دائمی و قوانین تشکیل شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، قوانین مرتبط با رقابت‌اند. همچنین قانون رقابت در قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شد. در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به این موضوع پرداخته شده است و در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به‌صراحت تبیین شد. همچنین شورای رقابت به‌عنوان نهاد حافظ رقابت در تعیین و تشخیص رویه‌های ضدرقابت و انحصار تعیین شده است. از طرف دیگر چون از اهداف رقابت، حصول کارایی و عدالت است، بررسی شد که حقوق

رقابت از رهگذر هریک از نظریه‌های عدالت به نتیجه متفاوت می‌رسد. در گفتمان عدالت توزیعی، حقوق رقابت ابزاری در دست دولت است تا در راستای توزیع منابع و تخصیص بهتر امکانات بیشترین اثربخشی را ایفا کند. چارچوب‌های عدالت رویه‌ای که ناظر بر تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات براساس فرایند عادلانه و اجرای آنها براساس اصول منصفانه است، به نتایج ماهوی توجهی ندارد. آنچه در این چارچوب مهم است، پیش‌بینی قواعد برابر تنظیم روابط بازار است. این قواعد باید متضمن اصولی برای انتقال اموال و تحصیل اولیه مالکیت‌ها و اصلاح اعمالی باشد که این اصول امکان رقابت عادلانه را تضمین خواهد کرد و در عدالت آزادی مدار که در بین افراد از طریق قواعد بازار و به صورت نظم خودجوش تأمین خواهد شد. این نظریه بر آن است که نمی‌توان الگویی موجه و معقول برای دخالت دولت در امر توزیع و بازتوزیع ثروت‌ها و منابع ارائه داد. از نظر این گروه دولت حداقلی بهترین دولتی است که می‌توان آن را توجیه کرد.

با توجه به پرسش مقاله، حقوق رقابت در قانون اساسی، با در نظر گرفتن نظام اقتصادی ایران و اصول مختلف ذکر شده، رویکرد به هدف غیراقتصادی (عدالت) حقوق رقابت دارد و به طور غیرمستقیم به حقوق رقابت اشاره داشته است و با کارایی که هدف اصلی و روح حقوق رقابت است، فاصله دارد. از این رو از رهگذر نظریه‌های عدالت و تعاریف ذکر شده، با عدالت توزیعی هماهنگی بیشتری دارد.

اما حقوق رقابت در قانون اجرای کلی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون برنامه پنج‌ساله چهارم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قوانین عادی و رویه قضایی با رویکردی که به بخش خصوصی دارد و دولت را از انجام امور مشخص شده منع و به طور صریح به هدف کارایی اشاره می‌کند، به نظریه عدالت آزادی‌مدار یا رویه‌ای نزدیک‌تر است، از این رو از عدالت توزیعی که در آن کارایی نقش کمتری دارد، دور می‌شود و رویکرد قانون اساسی به اهداف حقوق رقابت با توجه به اصول مختلف آن، عدالت‌محوری است و به هدف غیراقتصادی حقوق رقابت پرداخته شده است و از روح حقوق رقابت که همانا کارایی است، فاصله دارد. اما در سایر قوانین، رویکرد به کارایی‌محوری مشهود است و به روح حقوق رقابت که کارایی است، بسیار نزدیک شده است، از این رو رویکرد در سایر قوانین به عدالت رویه‌ای یا عدالت آزادی‌مدار نزدیک است. البته اگر رقابت به طور صحیح در جامعه اتفاق بیفتد، هدف عدالت نیز محقق می‌شود و با توجه به اینکه اهداف عدالت و کارایی، مفاهیم کیفی‌اند و بی‌شک هر دوی این مباحث از جمله اهداف دولت هستند، از این رو به طور قطع و یقین نمی‌توان گفت که بی‌شک عدالت یا کارایی محقق شده است. می‌توان رویکرد را به سمت این اهداف مشخص کرد و دولت باید ضمن عدم مداخله گسترده، با نظارت حداقلی در جهت تنظیم بازار، به سمت تضمین اهداف و روح حقوق رقابت تلاش کند. اینکه تا چه حد در رسیدن به اهداف، موفقیت حاصل شده است، هدف این مقاله نیست.

نظریه‌های عدالت	اهداف حقوق رقابت (عدالت-کارایی)	نظام حقوقی ایران
تطابق با عدالت توزیعی	عدالت	قانون اساسی
تطابق با عدالت روبه‌ای و عدالت آزادی‌مدار	کارایی	قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
تطابق با عدالت روبه‌ای و عدالت آزادی‌مدار	کارایی	قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
تطابق با عدالت روبه‌ای و عدالت آزادی‌مدار	کارایی	قوانین عادی
تطابق با عدالت روبه‌ای و عدالت آزادی‌مدار	کارایی	رویه قضایی

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. رشوندبوکانی، مهدی (۱۳۹۳)، *حقوق رقابت در فقه امامیه حقوق ایران و اتحادیه اروپا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. رنانی، محسن (۱۳۸۴)، *بازار یا نابازار*، چ اول، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۳. سماواتی، حشمت‌اله (۱۳۷۴)، *مقدمه‌ای بر حقوق رقابت تجاری و نقش آن در سیاستگذاری و تنظیم بازار*، تهران: فردوسی.
۴. علاءالدینی، امیرعباس (۱۳۹۱)، *حقوق رقابت (در آیین تحولت تقنینی)*، تهران: مجد.
۵. غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۳)، *حقوق رقابت و ضمانت اجراهای مدنی آن*، چ اول، تهران: میزان.
۶. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۶)، *معرفت‌شناسی علم اقتصاد*، تهران: مؤسسه عالی پژوه.
۷. قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۳)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، تهران: بهشتی.
۸. کلارک، باری (۱۳۹۴)، *اقتصاد سیاسی تطبیقی*، ترجمه عباس حاتمی، تهران: کویر.
۹. کمیجانی، اکبر (۱۳۷۴)، *تحلیلی بر مالیات بر ارزش افزوده و بررسی مقدماتی مکان اجرای آن در اقتصاد ایران*، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۱۰. مؤذنی، روح‌الله (۱۳۹۱)، *اصول حقوق عمومی اقتصادی*، تهران: مجد.
۱۱. نیلی، مسعود (۱۳۸۹)، *مباحث منتخب از اقتصاد سیاسی*، سلسله سخنرانی‌ها، تهران: مؤسس پرسش.

ب) مقالات

۱۲. باقری، محمود (۱۳۸۴)، «اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، مجله پژوهش، حقوق و سیاست، ش ۲۳، ص ۸۹-۴۱.
۱۳. باقری، محمود؛ فلاح‌زاده، علی (۱۳۸۸)، «مبانی حقوق عمومی حقوق رقابت»، مجله حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۳، ص ۸۱-۶۳.
۱۴. بهفر، ملیحه (۱۳۸۸)، «حقوق رقابت و حقوق مصرف‌کننده»، فصلنامه اتاق بازرگانی، ش ۷، ص ۲۴-۴.
۱۵. پژوهش، جمشید (۱۳۸۳)، «چالش‌های نظام مالیاتی در اقتصاد ایران»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال یازدهم، شماره ۴۵، صص ۱۱-۲۶.
۱۶. توتونچی ملکی، سعید (۱۳۹۳)، «فرصت‌های نابرابر اقتصادی و چالش‌های توسعه رقابت در ایران»، مجله مجلس و راهبرد، ش ۶۵، ص ۱۰۴-۶۷.
۱۷. چراتیان، ایمان (۱۳۹۳)، «واکاوی چالش‌های شورای رقابت»، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۰، ش ۷۳، ص ۱۰۲-۶۷.
۱۸. حسینی، شمس‌الدین؛ شفیعی، افسانه (۱۳۸۶)، تعامل دولت و بازار و رویکرد تنظیم در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۴۳، ص ۶۵-۲۵.
۱۹. دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۴)، اثر اجرای قانون رقابت بر تسهیل رقابت؛ رقابت‌مندی و سطح استاندارد ایران، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، شماره ثبت ۸۵/۵۹۸، ص ۴۵، ۶۹، ۷۰.
۲۰. رستمی، ولی؛ اصغرینیا، مرتضی، «اختلاف صلاحیت شورای رقابت و کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات»، دوفصلنامه رویه قضایی، ش ۴ و ۵، ص ۹۹-۱۲۵.
۲۱. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «نظام قانونگذاری ایران و جایگاه مجمع تشخیص؛ با تأملی در ماهیت حقوق سیاست‌های کلی نظام»، مجله راهبرد، ش ۳۴، ص ۳۳۳-۳۲۰.
۲۲. صادقی مقدم، محمدحسن؛ غفاری، بهنام (۱۳۹۰)، «روح حقوق رقابت (مطالعه تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، ش ۷۳، ص ۱۴۶-۱۱۳.
۲۳. صانعی، مهدیه؛ پروین، خیرالله (۱۳۹۹)، «تحلیل حقوقی مداخله یا عدم مداخله دولت‌ها در نظام توسعه در حقوق اقتصادی عمومی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، ش ۱، ص ۲۵۴-۲۳۹.
۲۴. عامری، فیصل (۱۳۸۹)، «حقوق رقابت و توسعه»، ویژه‌نامه هفته پژوهش، سال دوازدهم، ش ۳۰، ص ۱۱۷-۱۵۲.
۲۵. غفاری، هادی (۱۳۸۳)، «جایگاه و نقش دولت در نظام‌های اقتصادی»، نشر بازرگانی، ش ۳۵، ص ۶۸-۴۵.

۲۶. فتحی، یونس (۱۳۹۲)، «تحلیل حقوق اقتصادی قواعد رقابت با نگاهی به قواعد رقابت در اتحادیه اروپا»، *مجله حقوق عمومی*، سال پنجم، ش ۱۱ و ۱۳، ص ۷۴-۴۵.
۲۷. مرکز مالگیری، احمد (۱۳۹۰)، «تأملی در مرزهای سیاستگذاری و قانونگذاری (مطالعه موردی مفاد قانون برنامه پنجم توسعه در حوزه فرهنگی)»، *مجلس و پژوهش*، سال هجدهم، ش ۶۷، ص ۲۱۷-۲۱۸.
۲۸. نوروزی شمس، مشیت‌الله (۱۳۸۴)، «نگاهی به حقوق رقابت در چند کشور»، *مجله دانشکده علوم انسانی*، سال چهاردهم، ش ۶۱، ص ۹۵-۹۴.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Dabbah, Maher M (2007), *Competition Law and Policy in the Middle East*, New York, Cambridge University Press.
2. Dunne, N (2015), *Competition Law And Economic Regulation: Making and Managing Markets*, 1th ed, Cambridge University Press.
3. Fred E. Foldvary (1995), *public goods and private communities :The market provision of social services*, Bookfields,VT:Avebury
4. Furse, Mark (2008), *Competition Law of the EU and UK*, Oxford,
5. Harris, PH (2007), *An Introduction to Law*, 7th ed, Cambridge University Press; UK.
6. Oxford University Press, 6 Ed.
7. Rawls , J (2005), *A Theory of Justice* , Oxford university press.
8. Veljanovski, Cento G (2006), *Economic principles of law*, Cambridge University Press.
9. Whish, R & Bailey, D (2012), *Competition Law*, 7th ed, Oxford University Press.

B) Articles

10. Deutsches Pisa-Konosortium (2000), "Bassiskompetenzen von Schulerinnen und Schulern im international Vergleich", Available from <http://www.pisa.oecd.org/NatReports/Pisa2000/Germanynatrepshortversion.pdf>
11. Gerber, David J (2004), "Fairness in Competition Law: European and U.S. Experience", Prepared for Presentation at a Conference on Fairness and Asian Competition Laws, Kyoto, Japan; Avialable at: http://www.kyotogakuen.ac.jp/o_ied/information/fairness_in_competition_law.pdf
12. Gerbandy, Anna (2019), 'Rethinking Competition Law Within The European Economic Constitution' , *Journal of Common Market Studies* , Vol. 57, Issue 1, pp.4-42.
13. Green, Ofer (2008), "Integration of Non-Efficiency Objectives in Competition Law," A ThesisSubmitted In Conformity with the Requirements for the Degree of Master of Laws, *Faculty of Law*, University of Toronto.
14. Hoekan, Bernard & Mavrodīs, Petros C (2002)," Economic Development,

Competition Policy and the WTO", *World Bank Policy Research Paper* 2917, pp. 4-56.

15. Clark, John Maurice (2006), "Towards a Concept of Workable Competition", *European Law Journal*, Vol. 12, pp. 630-750.
16. Nozick R (1975), "social Costs of Monopoly". *Journal of Political Economy*.
17. Schweitzer H (2007), "The European competition law enforcement system and evaluation of judicial review". Available via European University Institute. <http://www.eui.eu/Documents/RSCAS/Research/Competition>
18. Van den Bergh, Roger J. & Camesasca, Peter D, (2001), "European Competition Law and Economics: A Comparative Perspective", *Antwerpen*, Intersentia, pp.1-27.
19. Zimmer, D (2012), "The Goals of Competition Law", ASCOLA Competition Law series, *Edward Elgar Publishing*; USA.pp.3-35.